

تأملی بر مبانی نظریه پردازی غرب و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ضرورت آن در حوزه

رهبری سازمانی

عبدالحسین خسروپناه^۱

عباداله بانسی^۲

چکیده

پیشرفت در هر عرصه ای، مستلزم طراحی الگوی مناسب خود بوده و تدوین این مهم، نیز تابعی از دانش و نظریه است. نظریه مجموعه ای به هم پیوسته از مفاهیم، تعاریف و قضایا بوده، به طوری که بتوان بر اساس آن روابط میان متغیرهای یک پدیده را تشخیص، تبیین و پیش بینی نمود. نظریه پرداز، نظریه را در بستر نظام تعلقات، ادراکات و منطق خود و در راستای توسعه حاکمیت بر روابط میان پدیده ها و طبیعت، هم سو و هماهنگ با نظام های مذکور تدوین می کند. اگر، نظریه را از دستاوردهای ادراکات قلبی (تعلقات و باورها)، طراحی الگو را از دستاوردهای ادراکات نظری و کاربرد الگو و مدل را از دستاورد ادراکات حسی بدانیم، این مهم که نظام تعلقات، باورها، اعتقادات، مفروضات و مبانی فکری و در کل، مکاتب مختلف به سبک های متفاوت مدیریتی منجر شده و پیشرفت و توسعه نیز نیازمند الگوهای مناسب خود خواهد بود، به امری قطعی و لایتغیر مبدل می شود. در این مقاله، بر اساس همین رویکرد، مبانی فکری و فلسفی (نظام تعلقات و باورها) دو دیدگاه غرب و اسلام که طبیعتاً به دو گونه مختلف از نظریه در همه ابعاد، منجر می شود، مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفته است. نتیجه این مطالعه نشان می دهد که بر اساس ادبیات مدیریت استراتژیک، هم سویی میان مبانی و مفروضات نظریه پرداز ایرانی و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت منجر به هم افزایی سیستمی می گردد. در ادامه با توجه به این که، رهبری سازمانی به عنوان مولفه ای بسیار مهم و تاثیرگذار در تحقق اهداف و آرمان های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، از نقشی محوری و زیربنایی برخوردار می باشد، به ضرورت های نظریه پردازی در این حوزه به طور خاص پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: نظریه، نظریه پردازی، رهبری سازمانی، الگو، رویکرد اسلامی، رویکرد ایرانی

۱- مقدمه

پیشرفت در همه عرصه های آن مستلزم داشتن الگویی مناسب است. الگویی که با مبانی فکری و فلسفی (هستی شناسی، معرفت شناسی، انسان شناسی و روش شناسی) نظام تناسب داشته و سازگار باشد. الگویی که برآمده از نیازهای موجود کشور در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده و در عین توجه به شرایط محیطی کشور (توجه به واقعیات)، بر گرفته از ارزش ها و آموزه های اسلامی (توجه به آرمان ها) نیز باشد. استخراج و طراحی چنین الگویی، در همه ابعاد آن خود تابعی از دانش در آن حوزه ها می باشد. دانش، به معنای راهنمای عمل انسان، واژه ای است که می تواند در همه شئون زندگی فردی، اجتماعی، سازمانی از نحوه لباس پوشیدن گرفته تا اداره یک امپراتوری بزرگ را در برگیرد (دانایی فرد،

^۱ استاد حوزه و دانشگاه و رئیس پژوهشگاه حکمت و فلسفه اسلامی

^۲ دانشجوی دکتری مدیریت رفتار سازمانی دانشگاه علامه طباطبایی

۱:۱۳۸۹). این مهم، در حوزه ای چون مدیریت و رهبری سازمانی نیز جاری بوده و سازمان های امروزی را بدون دانش و فهم صحیحی از روابط میان متغیرهای موجود در سازمان نمی توان اداره کرد. اما، نکته مهم عبارت از این است که باید بین دانسته های معتبر و نامعتبر فرا روی انسان و سازمان تمایز قائل شد. دانسته هایی معتبر است که " به صورت گزاره های نظم و نسق دار سازمان یافته باشد، نوعی رابطه علی را نشان دهد، شیوه های کسب آن دانش قابل اطمینان باشد، قابل اثبات یا استدلال باشد و در نهایت عاری از ارزش ها و قضاوت های شخصی باشد" (رفیع پور، ۱۶:۱۳۸۱).

اگر بتوان این معیارها را به عنوان خط کشی برای تشخیص علم از غیر علم تلقی کرد، دانش مبتنی بر تجربه حسی را باید علم نام نهاد. لذا بر این اساس عالمان، همان شیمی دانان و فیزیک دانان بوده و آنان که سررشته ای در فلسفه فقه یا کلام داشته باشند را نمی توان به عنوان عالم منظور نمود (سروش، ۱۳۸۲). البته در نگاه به علم، به این مفهوم، از نظر جامعه شناسی چون آوگست کنت، موسس پوزیتویسم و تجربه گرایی، علوم اجتماعی هم می بایست در زمره علوم تجربی محسوب شوند (خسروپناه، ۱۳۹۰). اگرچه واضح و مبرهن است که گذشت زمان بر این موضوع مهر باطل زده و علیرغم این که تحولات زیادی در حوزه اثبات گرایی رخ داده است (اثبات گرایی منطقی^۳ و اثبات گرایی مدرن^۴)، اما هم چنان می توان نظریه را «مجموعه ای به هم پیوسته از مفاهیم، تعاریف و قضایا دانست که به منظور تبیین و پیش بینی پدیده ها، از طریق تشخیص روابط بین متغیرها، یک نظر نظام مند در باره این پدیده ها ارائه داد» (هومن، ۱۱:۱۳۷۴).

نظریه، مهم ترین مفهومی است که در رابطه با یک علم و متمایز ساختن آن از علوم دیگر مطرح است، به گونه ای که می توان ملاک شناسائی یک علم از غیر آن را بر خورداری آن از تئوری و یا بی بهره بودن از آن دانست (اعرابی، ۱۳۸۸). با این توصیف، باید دانست که ریشه نظریه در کجاست و کاربردهای آن چیست؟ به عبارت دیگر، این که نظریه از کجا می آید و در چه مواردی می توان از آن بهره گرفت، نکته ای است که باید به آن توجه داشت. در این نوشتار، ضمن بررسی این مفهوم به طور خلاصه، به این مهم که هر نظریه پرداز، نظریه را بر مبنای نظام از پیش تعیین شده خود پردازش کرده و لذا کاربردها و معیار صحت آن نیز به همان نظام بر می گردد، پرداخته، آن گاه الزامات نظریه پردازان در حوزه رهبری سازمان، با رویکرد اسلامی ایرانی پیشرفت نیز مورد بررسی واقع می شود.

۲- نظریه چیست؟

اولین بار فیثاغورث، نظریه را به معنی ژرف اندیشی و تفکر عمیق به کار برده است (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۶). بر اساس دایره المعارف آکسفورد، نظریه، سیستمی از ایده ها بوده که چیزی را تبیین می کند، به طور خاص سیستمی که متکی است بر اصول کلی اما مستقل از چیزهای خاصی که باید تبیین شوند. به اعتقاد هچ، تئوری مجموعه ای است از مفاهیم و روابط که در آن نوعی تبیین از پدیده مورد بررسی، به هم پیوند داده می شوند (هچ، ۱۳۸۵).

نظریه، یک یا چند فرضیه در مورد پدیده های مختلف هم چون بیماری، تعارض سازمانی، تجارت جهانی یا مدیریت و رهبری سازمان است. به عبارت دیگر، محملی است برای درک، تحلیل و معنا بخشی پدیده های مورد علاقه ما (دانایی فرد، ۱۱۶:۱۳۸۹) نظیر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، رهبری اثربخش سازمانی، عدالت

³ - Logical positivism

⁴ - Modern positivism

سازمانی، رفع فقر، تبعیض و رفاه اجتماعی و غیره. با این توصیف، باید گفت ما همه روزه برای اداره زندگی خود در خانواده، سازمان و اجتماع در حال نظریه پردازی بوده یا از تجارب دیگران در این زمینه بهره می گیریم.

در مقاله منتشر شده سوتون و استاو مشخص می گردد که نظریه چه هست و چه نیست (همان، ۱۴۱): نظریه شامل فهرست متغیرها و سازه ها، داده ها، نمودارها، فرضیه ها یا پیش بینی ها و منابع انتهای متن یا درون متن یک مقاله نیست. بلکه، نظریه به پیوندهای میان پدیده ها اشعار داشته و به چرایی ها، پاسخ می دهد. اما به اعتقاد میتنزبرگ، نظریه ها نمادهای بازنمایی کننده واقعیت بوده و نه خود واقعیت (همان، ۱۴۲). برای مثال، نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو، تجلی ساده شده ای از فرآیند بسیار پیچیده ظهور و بروز نیازهای بشری است (شفریتز و اوت، ۱۳۷۹)، هم چنان که نظریه جابجایی مدیران دولتی تصویر ساده شده ای از رفتار مدیریتی در نظام های سیاسی کشورهای جهان سوم است (دانایی فرد، ۱۳۸۵). بنابراین، می توان با توجه به موارد فوق بیان داشت، نظریه به مثابه نورافکنی است که زوایای تاریک را روشن می سازد. به طوری که بدون ساختارهای تئوریک، فهم و تنظیم اطلاعات پیرامونی بسیار مشکل خواهد بود (اعرابی، ۱۳۸۸).

۳- منشاء و کاربرد نظریه

بدون شک نظریه پردازان نظریه را در بستر نظام تعلقات، نظام ادراکات و نظام منطقی خود ارائه می نمایند. نظام تعلقات، عبارت است از یک کل هماهنگ و منسجم از طلبها که حول محور طلب شامل شکل گرفته اند. «طلب شامل» اصلی ترین و مهم ترین اختیار است که طی آن انسان یکی از دو امر تقوی یا هوی را به عنوان طلب شامل اختیار می کند و به این ترتیب جهت کلی حرکات انسان (تقوی یا هوی) تعیین می شود. با انتخاب طلب شامل سایر طلبها حول محور آن تقدم و تأخر یافته و جایگاه ویژه ای متناسب با آن پیدا می کنند (اعرابی، ۱۳۸۷: ۱۴).

ادراکات، واسطه میان نظام تعلقات و رفتار بوده و در واقع تجلی تعلقات در رفتارهای انسان از مجرای ادراکات می گذرد. ادراکات انسان شامل سه مقوله است که از آن تحت عناوین مقولات قلبی یا حالات، مقولات نظری یا مفاهیم و مقولات عینی یا اشیاء یاد می شود. این سه مقوله تحت یک کل منسجم و هماهنگ به نام نظام ادراکات جای دارند که هر کدام دارای قلمروهای متفاوت و منبع و ابزار خاص هستند (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱- منابع، ابزار، کاربردها و دستاوردهای ادراکات، منبع: اعرابی، ۱۳۸۷، ۱۷

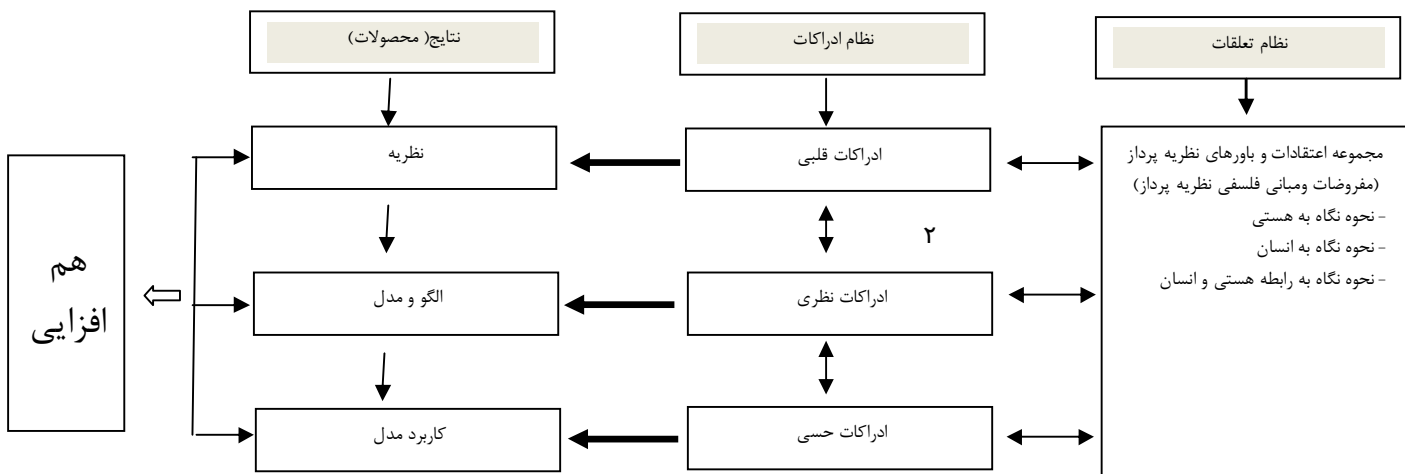
عنوان	منبع	ابزار	عملکرد	دستاورد	حصول	علوم
ادراکات قلبی	عالم روح	قلب	تعیین جهت گیری علم	عوامل مؤثر، تئوری ها	روش شهودی	عرفانی، فلسفه
ادراکات نظری	عالم معقول	عقل	تنظیم روابط عوامل مؤثر	روابط بین عوامل مؤثر، مدل ها (الگوها)	روش منطقی	منطق، ریاضی، آمار
ادراکات حسی	عالم محسوس	حواس	بکارگیری جهت گیری و روابط	بکارگیری مدل ها (الگوها)	روش تجربی	علوم تجربی

همان طور که در این جدول ملاحظه می شود، عالم روح، یکی از منابع ادراک انسان بوده و از طریق الهام و وحی و با استفاده از قلب به عنوان ابزار صورت می گیرد. ادراکات قلبی شامل مجموعه ای از اعتقادات و معارف است که خود منشاء علوم همچون علوم عرفانی، فلسفه و ... بوده و به روش شهودی حاصل می شود.

عالم معقول یکی دیگر از منابع ادراک بوده و در حقیقت ادراک روابط نامحسوس از امور محسوس با استفاده از این ابزار صورت می‌گیرد. ادراکات نظری شامل کلیه مفاهیم نظری، علوم عقلی، ارزش‌ها و احکام می‌باشد که خود منشاء علوم همچون علوم منطقی، ریاضی، آمار و ... بوده و به روش منطقی حاصل می‌شود. تنظیم روابط بین عوامل مؤثر و همین‌طور، طراحی مدل (الگو) از دستاوردهای این ابزار می‌باشد.

عالم محسوس و طبیعت، که در حقیقت همین جهانی است که در آن زندگی می‌کنیم، نیز یکی از منابع ادراک انسان محسوب می‌شود. ادراک از عالم محسوس با استفاده از ابزار حواس پنجگانه صورت گرفته و لذا، عالم محسوس منشاء ادراکات حسی است. این ادراکات نیز منشاء علوم هستند که به روش تجربی حاصل می‌شوند (علوم تجربی). بکارگیری مدل‌ها (کابرد الگوها) از دستاوردهای این ابزار می‌باشد (اعرابی، ۱۵: ۱۳۸۷). هم‌چنین، با توجه به جدول فوق، می‌توان گفت که تئوری حاصل ادراکات قلبی نظریه پرداز بوده و با استفاده از ابزار قلب و به روش شهودی حاصل می‌شود. از آنجا که ادراکات قلبی در برگیرنده اعتقادات و باورهای نظریه پرداز می‌باشد، برای تدوین تئوری و نظریه در یک جامعه دینی، باید اصالت را به علوم دینی داد؛ یعنی علمی که مبتنی بر متن دینی نظیر قرآن، روایات و اقوال است (خسروپناه، ۱۳۹۰). البته باید توجه داشت که در این مسیر هم می‌توان و هم باید از عقل و تجربه بهره گرفت.

حال که نظام تعلقات و ادراکات نظریه پرداز مشخص شد، باید گفت هر نظریه پردازی بر اساس نظام منطقی خود، طوری نظریه پردازی و یا به عبارتی رفتار می‌کند که، جهت ادراکات با جهت تعلقات هماهنگ باشد. یعنی از نظر وی، هر امری که با جهت طلب شامل هماهنگ باشد صحیح و گرنه غلط است (اعرابی، ۶۹: ۱۳۸۷). لذا، نظام منطقی نه تنها به دنبال هماهنگ کردن نظام ادراکات با نظام تعلقات است، بلکه وظیفه دیگر آن نیز هماهنگی درونی نظام ادراکات یعنی هماهنگی میان ادراکات قلبی، ادراکات نظری و ادراکات حسی است. این موضوع به وضوح در شکل شماره ۱، نشان داده شده است.



شکل شماره ۱- منشاء نظریه: نظام تعلقات، ادراکات و منطق نظریه پرداز و هماهنگی میان آن‌ها (محقق)

همان‌طور که در شکل مشاهده می‌شود، نظریه ناشی از ادراکات قلبی بوده و از طریق هماهنگی میان نظام تعلقات و ادراکات نظریه پرداز حاصل می‌شود. هم‌چنین، طراحی الگو که خود ناشی از ادراکات نظری است، از نتایج نظریه پرداز نیز محسوب می‌شود. استفاده از الگوها و مدل‌ها در حوزه عملیاتی از طریق

تجربه و حواس پنج‌گانه صورت می‌گیرد. بر این اساس، باید گفت که بدون خلق نظریه نمی‌توان در حوزه عمل به پیشرفت و توسعه دست یافت. چراکه بر اساس این مدل، ابتدا باید در همه حوزه‌های مورد نیاز، نظریه پردازی کرده و سپس با طراحی الگوهای متناسب با نظریه‌های تدوینی، زمینه‌های اجرای آن‌ها را در حوزه عمل از طریق تجربه فراهم آورد.

هم‌چنین، همان‌طور که در این شکل مشاهده می‌گردد، دو نوع رابطه میان نظام تعلقات و ادراکات نظریه پرداز مشهود است: رابطه (۱): هماهنگی افقی میان نظام تعلقات و نظام ادراکات؛ (رابطه ۲): هماهنگی عمودی میان نظام ادراکات و زیرسیستم‌های آن (ادراکات قلبی، نظری و حسی)؛ این دو نوع هماهنگی که بیانگر نظام منطقی نظریه پرداز بوده از سویی باعث می‌شود که بین نظریه‌های تدوینی وی با اعتقادات و باورهای او هم‌خوانی و هم‌سوایی ایجاد شده و از طرفی دیگر، موجب هماهنگی میان نظریه و طراحی الگو و نیز کاربردهای الگو و مدل می‌گردد (رابطه ۳). این هماهنگی که به هماهنگی میان نظر و عمل منجر می‌شود، بر اساس مطالعات صورت گرفته در ادبیات مدیریت استراتژیک، خود باعث ایجاد هم‌افزایی در سیستم و یک نظام می‌شود.

از این رو، باید توجه داشت که از آن‌جا که نظریه‌پردازان، تئوری را در بستر نظام تعلقات، نظام ادراکات و نظام منطقی خود ارائه کرده، می‌توان گفت که نظریه پرداز، قطعاً دارای بینش خاصی نسبت به نظام هستی و انسان و جامعه بوده و بنابراین، نظریه را طوری طراحی و تئوریزه می‌کند که ضمن هماهنگی و هم‌سوایی با نظام از پیش تعیین شده خود (مبانی فکری و فلسفی)، بتواند از آن در جهت توسعه دامنه حاکمیت بر روابط (اختیار) در جهت هماهنگی با طلب شامل استفاده نماید. لذا نقش نظریه این است که اجزای عالم طبیعت را به نحوی با هم مرتبط کند تا نتیجه‌ای هماهنگ با طلب حاصل شود و تفسیر کلی مشاهدات و بررسی در جهت خاصی گرفته و تبیین شود. مصادیق و نمونه‌های عینی نیز در پرتو نظریه معنی یافته و علوم نیز که ثمره تحقق تئورها هستند از این طریق دارای بار ارزشی و جهت خاص می‌شوند.

بر همین اساس هم هست که وقتی صحبت از مدیریت ژاپنی، آمریکائی، کره‌ای یا غیرو می‌شود به دلیل تفاوت در عملکرد و توصیه‌های مدیریتی است که بر اساس مبانی فکری و ارزشی آن‌ها شکل گرفته است (بابایی طلائی، ۱۰: ۱۳۹۰). بنابراین می‌توان بیان داشت که تفاوت ماهوی و ذاتی در سبک‌های مدیریتی، ناشی از تفاوت‌ها در مبانی فکری و ارزشی مکاتب مختلف مدیریتی است. به تعبیری دیگر، این مبانی فکری و مکاتب موجود در نظام‌های مختلف است که نظریه‌ها و سبک‌های متفاوت مدیریت و رهبری از آن‌ها منتج می‌شود. بر همین مبنا هم هست که می‌توان گفت، مکتب در این مقوله زیربنا بوده و تئوری یا علم که حاصل آن می‌باشد، امری است رو بنایی (افجه ای، ۱۳۸۸) و از آنجا که عملکرد این نظریه‌ها بستگی تام به مبانی فکری و مفروضات نظریه پرداز آن دارد، لذا نمی‌توان از همان نظریه‌ها و سبک‌های غربی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز بهره جست.

طراحی، تولید و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ضمن این که پاسخی به همین تفاوت‌های مبانی نظریه پردازی محسوب می‌شود، یک گام جهشی در مسیر تعالی ایران اسلامی بوده و طراحی الگویی متفاوت با الگوهای رایج پیشرفت توسعه بر اساس مبانی و ارزش‌های اسلامی و متناسب با شرایط، امکانات و نیازهای بومی که با ابتکار و تفکر ایرانی رقم زده شود، می‌تواند زیربنایی ترین و بزرگترین ایده‌ای باشد که مطرح گردیده است. هم‌چنان که از نظر گذشت، تدوین نظریه‌های مختلف در حوزه‌ها و ابعاد گوناگون با رویکرد

شناسی و روش شناسی اسلامی، یعنی نظریه پردازی بر اساس متون غنی اسلامی، از الزامات و پیش نیازهای طراحی این الگو محسوب می شود. این الزامات و پیش نیازها در دو دیدگاه غرب و اسلام در ذیل معرفی می شوند.

۴- مبانی فلسفی نظریه پردازان غربی

همان طور که گفته شد، نظریه پردازان غربی در هر یک از مولفه های اساسی مبانی فلسفی (هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی) از مفروضات خاصی پیروی کرده و به تعبیری نگاه آنها به هستی، انسان و رابطه میان این دو، نگاه مختص به خودشان بوده و این نگرش ها و مفروضات در نظریه پردازی آنها تاثیرگذار و بلکه زیربنای نظریات آن ها را تشکیل می دهد. در جدول شماره ۲، این مفروضات به طور خلاصه، نشان داده شده است.

جدول ۲- مبانی فلسفی تئوری های غربی

پارادایم				مبانی فلسفی
پست مدرن	انتقادی	تفسیری	اثبات گرایی	
<ul style="list-style-type: none"> - تکه تکه بودن واقعیت و عدم توان درک آن ها از طریق واحد. - عدم وجود حقیقتی واحد. - وجود تفاسیر چندگانه از واقعیت. - جایگزینی علائم یا بازنمایی ها با واقعیت. - مبتنی بودن همه چیز بر کپی یا متون دیگر. 	<ul style="list-style-type: none"> - پیچیده بودن سازمان. - سامان یافتن جهان از طریق ساختارهای آشکار و نهان. - جهان مشتمل بر مجموعه ای از افراد و نهاد های صاحب قدرت است. - منعطف بودن واقعیت. 	<ul style="list-style-type: none"> - هستی شناسی رئالیستی. - جهان سازه ای مرکب از واقعیات چندگانه. - وجود رویکرد استقرایی در پژوهش. 	<ul style="list-style-type: none"> - وجود نوعی واقعیت قابل درک. - تعمیم پذیری پدیده ها منفک از بستر آن ها. - تبیین پدیده های اجتماعی با توجه به حقایق جهان شمول. - قابل پیش بینی بودن رفتار انسان. - رفتارگرایی و بنیاد گرا بودن. (دانایی فرد، ۱۳۸۶) 	هستی شناسی
<ul style="list-style-type: none"> - کاملاً ذهنی گرا بودن. - نقش آفرینی فعال پژوهشگر در فرآیند پژوهش. - دانش محقق صرفاً یکی از انواع دیدگاه ها از جهان است. 	<ul style="list-style-type: none"> - وجود موضعی بنا بین ذهنی گرایی و عینی گرایی. - مهم بودن ارزش های پژوهشگر در فرآیند پژوهش 	<ul style="list-style-type: none"> - پژوهشگر به عنوان نقش آفرین اجتماعی. - وجود رابطه ذهنی میان پژوهشگر و آزمودنی. - عدم تکیه صرف پژوهشگر بر دریافت ذهنیات آزمودنی ها از طریق پژوهشگر به عنوان نقش آفرین اجتماعی. - وجود رابطه ذهنی میان پژوهشگر و آزمودنی. - عدم تکیه صرف پژوهشگر بر دریافت ذهنیات آزمودنی ها از طریق پرسشنامه (دانایی فرد، ۱۳۸۶) 	<ul style="list-style-type: none"> - رویکرد منطقی و دستوری. - تاکید بسیار بر مشاهدات تجربی. - وجود واقعیتی مادی و کشف شدنی از طریق حواس. - وجود روابط علی میان واقعیت ها. - ثابت بودن علم در گذر زمان. - خارج از حوزه علم بودن واقعیت های غیر مادی. - فارغ بودن علم از مداخله ارزش ها. - مجزای بودن پژوهشگر از پدیده مورد بررسی. - عاری از ارزش بودن رابطه پژوهشگر و آزمودنی. ها (مومنی و همکاران، ۱۳۹۰) 	معرفت شناسی
<ul style="list-style-type: none"> - شَر انسان در عدم برخورداری از رنج و آلم است. - سعادت انسان در کسب حداکثر لذات مادی است. - جستجوی ثروت ارضاءکننده، عمیق ترین نیاز انسان است. - انسان کامل یعنی انسان برخوردار از همه لذات مادی. - انسان موجودی است که همه چیز را برای منافع خود قربانی می کند. (عابدی جعفری، ۱۳۷۴) 			<ul style="list-style-type: none"> - انسان موجودی از جنس طبیعت است. - انسان خردگرا و منفعت طلب است. - انسان هیچ گاه برخلاف منافع خود اقدام نمی کند. - انسان همواره منافع خود را حداکثر و زیان خود را حداقل می کند. - اعتقاد به آزادی کامل انسان به منظور شکوفایی استعدادهای وی. - هدف زندگی بشر، جستجوی لذات مادی است. 	انسان شناسی

۵- مبانی نظریه پردازی در رویکرد اسلامی ایرانی

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر دو رویکرد و قید(قید اسلامی، قید ایرانی) استوار بوده که هر دو رویکرد نیز می‌بایست در نظریه پردازی مد نظر قرار گیرد. با بررسی و درک این دو رویکرد و مبانی و مفروضات آن، تفاوت در نظریه پردازی در غرب و این الگو موضوعی بدیهی و واضح بوده و ناکارآمدی نظریات غربی در حوزه عمل، در نظام جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش روشن خواهد شد.

۱-۵- قید اسلامی

بر اساس قید اسلامی، می‌بایست هر نوع مفهوم یا شاخصی که در تعریفی از پیشرفت دخیل است را با مبانی نظری، فلسفی و انسان‌شناختی اسلامی مبتنی نمود (عرب، ۱۹۱: ۱۳۹۰). بنابراین شاخص‌های ارائه شده در این الگو قبل از هر چیزی باید برخاسته از مفاهیم اسلامی باشد که این مفاهیم وابسته به شرایط زمانی و مکانی خاصی نمی‌باشند (هادوی تهرانی، ۹: ۱۳۹۰). به تعبیری دیگر، این گونه مفاهیم را که ورای زمان و مکان بوده و در قالب شرایط و امکانات نمی‌گنجد، را می‌توان به عنوان ارزش‌ها، آرمان‌ها، ایده آل‌ها و مطلوب‌ها قلمداد نمود (اعرابی، ۳۳: ۱۳۸۷). آرمان‌ها و مطلوب‌های این الگو در حکم "وضعیت مطلوب"^۵ بوده و جامعه یا سازمان را همواره و می‌دارد به سمت آن حرکت کند. "حرکت عبارت است از رهائی تدریجی چیزی از قوه و استعداد و رسیدن به فعلیت" (جوادی آملی، ۱۸۸: ۱۳۶۶). باید توجه داشت که اگر موجودی، کمالی را واجد و دارا باشد هیچ‌گاه به سوی آن حرکت نمی‌کند، زیرا همواره کوشش و جستجو به سمت مفقود است نه به سمت موجود (همان منبع، ۱۶۷). بنابراین، بر اساس رویکرد اسلامی الگو، باید در تمام حوزه‌ها و ابعاد، شاخص‌های مطلوب را از منابع اسلامی هم چون قرآن کریم و سنت (سیره پیامبر اسلام(ص) و ائمه معصومین) استخراج نمود و این مهم به معنای نظریه پردازی در حوزه‌های مختلف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر اساس مبانی فکری و فلسفی اسلامی است.

۲-۵- قید ایرانی

قید ایرانی بودن نیز ناظر به این است که باید در زمینه پیشرفت، شرایط و زمان و مکان را نیز در نظر گرفت. به عبارت دیگر اسلام خود کامل است ولی از آنجائی که در مقطع معینی این الگو اجرا می‌شود، باید ویژگی‌های زمانی، مکانی و ظرف تحقق آن به دقت لحاظ شود (هادوی تهرانی، ۱۳۹۰: ۱۳). لذا باید متناسب با شرایط، مقتضیات و ظرفیت‌های فرهنگی کشور، الگویی از پیشرفت پیشنهاد شود که از بالاترین میزان همسوئی و هماهنگی با تعالیم و آموزه‌های اسلامی برخوردار باشد. بنابراین، اگر اسلامی بودن، به منزله جامعیت الگوست، ایرانی بودن، واقعیت آن را تامین می‌کند. لذا با توجه به آنچه که تاکنون گذشت، در کنارهم بودن این دو قید، رمز موفقیت الگو را تضمین خواهد نمود. چرا که در این الگو، اسلامی بودن به منزله "روح" و ایرانی بودن نیز به منزله "جسم" پیشرفت می‌باشد (عرب، ۱۹۵: ۱۳۹۰).

با توجه به این دو قید، لازم است که به مبانی فکری و فلسفی اسلامی نیز نظری افکنده شود. این مهم در جدول شماره ۳، نشان داده شده است.

^۵ - لازم به تذکر است که کمال و غایت جامعه نیز ورای زمان و مکان است و در هیچ لحظه‌ای وصل به آن محقق نمی‌شود و بنابراین اداره جامعه و تغییر آن از وضعیت حاضر به سوی غایت و کمال مطلوب، امری مستمر و به بیان مولانا، آزمایشی دائمی است.

دومین کنگره انجمن علمی اسلامی ایرانی: مبانی و ارکان پیشرفت؛ اردیبهشت ۱۳۹۲

جدول ۳- مبانی فلسفی اسلامی

مبانی فلسفی	شاخص ها
<p>هستی شناسی</p>	<p>هستی یک افریده است و آفریدگاری دارد (هستی شناسی توحیدی) (شوری ۱۲، حج: ۶، انعام ۱۰۳، نهج البلاغه، خطبه ۱). تمام واقعیات جهان از خدا و منتسب به حق است (مطهری ۱۳۵۷، صص ۷۲-۲۱۸).</p> <p>۲- هستی دارای غیب و شهادت است.</p> <p>- ایمان به غیب رکن ایمان اسلامی است (بقره، ۳).</p> <p>- همه موجودات جهان، وجود تنزل یافته موجودات جهان دیگر است (مطهری ۱۳۵۷، صص ۷۲-۲۱۸).</p> <p>- واقعیات جهان قطع نظر از شعور و آگاهی انسان در باره آن ها وجود دارند (عابدی جعفری، ۱۳۸۶، صص ۱۶-۱۷).</p> <p>- عالم شهادت مجموعه آیه ها، پدیده ها و سنت هاست از قبیل: خورشید و زمین و ماه و... خانواده، طبقات اجتماعی و... تمدن ها، ظهور و سقوط آن ها و... (رهنورد، ۱۳۵۷، ص ۱۲).</p> <p>- پدیده های جهان محکوم به یک سلسله قوانین ثابت و سنت های لایتغیر الهی هستند (مطهری ۱۳۵۰، صص ۶۳-۱۲۹).</p> <p>۳- تکامل مداوم پدیده های هستی و جهت تکامل آن .</p> <p>- عالم در هستی شناسی واقعی است متغیر و متحرک و بلکه عین حرکت است (مطهری ۱۳۵۷، صص ۷۲-۲۱۸).</p> <p>- حرکت عبارت است از رهایی تدریجی چیزی از قوه به فعل و اگر همه موجودات واجد همه کمالات باشند، از حرکت باز می ایستند (جوادی آملی، ۱۳۶۳، صص ۱۸۱-۱۸۲).</p> <p>- حرکت در جهان هستی هدفمند است. حرکت بدون هدف محال است و پایان هر حرکتی، هدفی خاص است (همان).</p> <p>- کمال هر موجودی با موجود دیگر متفاوت است، چراکه هر موجودی در هر مرتبه ای از نظر قابلیت استفاضه، استحقاق خاص خود را دارد (مطهری ۱۳۵۷، صص ۷۲-۲۱۸).</p> <p>- جهان و تکامل آن، واقعیت هدایت شده است. تمام ذرات جهان در هر مرتبه ای نور هدایت دارند و غریزه حس، عقل، الهام و وحی، مراتب هدایت عامه جهان می باشند (طه، ۵۰، مطهری ۱۳۵۷، صص ۷۲-۲۱۸).</p> <p>- هر چیزی که به سوی کمال وجودی خود در حال حرکت است، هدفی جز عبادت خداوند ندارد و یگانه راه تکامل هر پدیده در بندگی خداوند است (مریم، ۹۳؛ جعفری ۱۳۷۵، صص ۱۲۸-۱۳۴).</p> <p>۴- معاد</p> <p>- هستی واحدی تجزیه ناپذیر بوده و نمی توان بخش هایی از آن را حذف و قسمت هایی از آن را ایفا نمود. حذف بعضی مستلزم حذف همه و ابقای برخی عین بقای همه اجزاست.</p> <p>- هستی یک واحد حقیقی در حال حرکت بوده و هیچگونه سکون و آرامشی در آن وجود ندارد (مطهری ۱۳۵۷، صص ۷۲-۲۱۸).</p> <p>- هستی دارای هدفی نهایی است که با نیل به آن آرام خواهد شد و آن هدف چیزی جز معاد نخواهد بود (مومن، ۳۹).</p>
<p>معرفت شناسی</p>	<p>واقعیت حقیقی هم مادی و هم غیر مادی است و دارای رابطه علی و معلولی با هم هستند.</p> <p>واقعیت حقیقی و رابطه علی و معلولی آن ها، مستقل از ذهن و ادراک افراد وجود دارند.</p> <p>مکشوفات علی، کلی و جامعند.</p> <p>ذهن به طور ذاتی، استعداد و توانایی کشف واقعیات غیرمادی را ندارد (مومنی و همکاران، ۱۳۹۰).</p>
<p>انسان شناسی</p>	<p>انسان به عنوان یکی از پدیده های هستی، سرنوشتی جدا از سایر پدیده های آن ندارد.</p> <p>انسان با توجه به فلسفه حرکت و هدفمندی هستی، دارای مبدا و معاد بوده و این مبدا و معاد نیز الهی است (انالله وانا الیه راجعون).</p> <p>انسان موجودی آزاد و مختار است (در محدوده آموزه های اسلامی). بر همین اساس می تواند در وضعیت خود تغییر ایجاد کرده و در برابر آن نیز مسئول است.</p> <p>انسان با بهره گیری از عقلانیت و آگاهی از خداوند، جهان و رابطه خویش با جهان می تواند به مقام والایی برسد (مزیدی و شیخ الاسلامی، ۱۳۸۸).</p> <p>جسم انسان به خاک و روح او به خدا اتصال دارد (انعام، ۲؛ مومنون، ۱۲؛ سجده، ۷؛ صافات، ۱۱؛ اسراء، ۶۱).</p> <p>خداوند جهان را به گونه ای خلق کرده که انسان بتواند از آن استفاده کند (بقره، ۲۹؛ نحل، ۱۳؛ اعراف، ۳۶؛ انعام، ۱۴۱).</p> <p>انسان موجودی است که خدا به فرشتگان دستور داده است که به تعظیم او بپردازند (بقره، ۳۴؛ حجر، ۳۰؛ اعراف، ۱۱؛ اسراء، ۶۱).</p> <p>خداوند انسان را بر بسیاری از موجودات جهان برتری داده است (اسراء، ۶۲ و ۷۰).</p>

۶- مقایسه مبانی فکری فلسفی غربی و اسلامی

با توجه به مطالب مذکور، مقایسه مبانی فلسفی نظریه پردازان غربی و اسلامی در جدول شماره ۴، آورده

شده است.

جدول ۴- تقابل دیدگاه های نظریه پردازان غربی و اسلامی

دیدگاه نظریه پردازان اسلامی	دیدگاه نظریه پردازان غربی
<p>هستی شناسی و معرفت شناسی:</p> <p>- اعتقاد به واقعیت و روابط علی مادی و غیرمادی و ضرورت نیاز به علمی که همراه با عمل باشد.</p> <p>- اعتقادات دینی پشتوانه برای دستگاه ذهن در کشف علم و عمل به آن.</p> <p>- اعتقاد به هر دو علم حضوری و علوم حصولی و متعاقباً علوم تجربی.</p>	<p>هستی شناسی و معرفت شناسی:</p> <p>- اعتقاد به واقعیت و روابط علی مادی و غیرمادی و ضرورت نیاز به علمی که همراه با عمل باشد.</p> <p>- ضرورتی برای عمل به علم، عنوان نشده است.</p> <p>- کفایت دستگاه ذهن و ابزار حواس انسان در کشف علم.</p> <p>- اعتقاد صرف به علوم تجربی.</p>

دومین کنگره انجمن علمی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت؛ اردیبهشت ۱۳۹۲

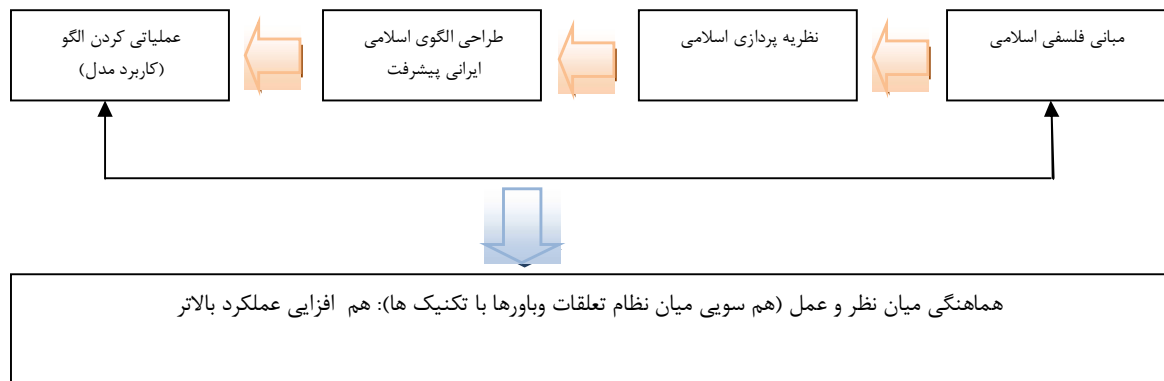
روشنشناسی	روشنشناسی
شناخت «خود» و متعاقب آن، فرآیند توسعه فردی از طریق علم تجربی و با پشتوانه اخلاق محقق می‌شود.	شناخت «خود» و متعاقب آن، فرآیند توسعه فردی از طریق علم تجربی و علم حضوری.
انسان‌شناسی	انسان‌شناسی
- بحثی درباره کمال فرآیند توسعه فردی ندارد. - فرآیند توسعه فردی رهبر در فرآیند توسعه فردی کارکنان و متعاقباً بر رفتار و عملکرد کارکنان به صورت آگاهانه و با تابعیت افراد تأثیر می‌گذارد. - انتخاب رهبری بر پایه شایسته‌سالاری است به دلیل برتری رهبر در کسب معلومات تجربی و توفیق در سرمایه‌های اخلاقی برای فرآیند توسعه فردی در رهبر	- کمال فرآیند توسعه فردی، فنای فی الله و ولایت است. - فرآیند توسعه فردی رهبر در فرآیند توسعه فردی کارکنان و متعاقباً بر رفتار و عملکرد کارکنان با واسطه ولایت در سه بعد فعل، صفت و ذات تأثیر می‌گذارد. - انتخاب رهبری بر پایه شایسته‌سالاری بوده و به دلیل برتری رهبر در شش عامل اثبات‌شده و ضرورت اجتناب‌ناپذیر ولایت در کمال فرآیند توسعه فردی در رهبر.
بعد اخلاق	بعد اخلاق
- اعتقاد به اخلاق به عنوان معلومات غیر تجربی و ذاتی که انسان از خود و بدون وابستگی به عامل خارجی دارد.	- اعتقاد به اخلاق به عنوان علمی که از طریق علم حضوری برای انسان حاصل شده و در نتیجه تغییرناپذیر است.

با توجه به موارد مطروحه فوق، به طور خلاصه می‌توان مبانی فکری و ارزشی نظریه پردازی با رویکرد اسلامی را به شرح زیر دانست :

- ۱- انسان مخلوق بوده و در آفرینش هیچ سهم و نقشی ندارد.
- ۲- انسان مخلوق خداوند حکیمی است که همه اعمال او بر اساس حکمت است.
- ۳- بر مبنای حکمت خداوند همه نیازهای انسانی دارای ما به ازای بیرونی است (نهج البلاغه، خطبه (۱).
- ۴- از آنجا که انسان خالق خود نبوده، لازم است که خالق وی، نیازمندی های وی را پاسخ گوید.
- ۵- انسان موجودی اُخروی است.
- ۶- غایت کمال انسان، سیر و حرکت در جهت عبودیت است.
- ۷- انسان در زندگی دارای مراحل مختلفی بوده و سعادت وی در هر مرحله به کیفیت زندگی در مرحله قبلی وابسته است.
- ۸- همه برنامه ریزی های کوتاه مدت زندگی انسان (فردی، سازمانی و اجتماعی) در جهت برنامه ریزی دراز مدت وی است (دنیا در راستای آخرت).
- ۹- دستیابی به کمال و سعادت و تحقق عبودیت مستلزم مدیریت و رهبری است.
- ۱۰- تنها خداوند می‌تواند بر انسان مدیریت و حاکمیت داشته باشد.
- ۱۱- با توجه به نیاز حضور فیزیکی مدیریت بر انسان، نماینده خدا در زمین (پیامبر) می‌تواند این مدیریت را اعمال کند.
- ۱۲- با توجه به عدم حضور نماینده خدا در زمان حاضر، از مبانی فکری و سیره های عملی ایشان می‌توان در جهت الگوسازی در حوزه رهبری سازمانی بهره جست.
- ۱۳- تمام مناصب سازمانی برای کسب رضایت خداوند و ادای امانت الهی است.
- ۱۴- تأکید بر پای بندی به ارزش های مطلق اخلاقی.

این نوع نگاه به هستی و انسان در مقایسه با برداشت های سایر مکاتب نسبت به جهان، انسان و رابطه انسان با طبیعت در حوزه تئوری پردازی الگوی توسعه و پیشرفت که موضوع اصلی آن نیز انسان است، به تئوری های کاملاً متفاوتی با تئوری های غربی موجود منجر خواهد شد. از نظر مکتب اسلام، همه موجودات و از جمله انسان در خلقت خود هیچ نقشی نداشته و همواره در جهت کمال وجودی خویش در حرکت و تغییر می‌باشند. در این حرکت هیچ موجودی و از جمله انسان از حرکت باز نمی‌ایستد مگر آن که به کمال برسند.

اوج کمال انسان بر اساس مبانی فکری مطروحه، عبودیت خداوند بوده و لذا در همه مسائل، کسب رضایت الهی راهی است که وی را به قرب الهی و عبودیت نزدیک تر می کند. بر این اساس، باید گفت طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مستلزم نظریه پردازی در حوزه های گوناگون الگو بر اساس مبانی فلسفی اسلامی بوده، که انجام این مهم نیز موجب هماهنگی در عملیات و کاربردهای مدل با مبانی پیش گفته شده و لذا هم افزایی و اثربخشی بیشتری عاید سازمان های کشورمان و نظام می شود (شکل شماره ۲).



شکل شماره ۲- هماهنگی میان نظر و عمل و نتایج آن (محقق)

۷- ضرورت نظریه پردازی رهبری با رویکرد اسلامی ایرانی

بدون تردید، پیشرفت و توسعه در کلیه ابعاد فردی، سازمانی و اجتماعی در هر کشوری، مستلزم داشتن الگوی متناسب با مبانی فلسفی و نظام اعتقادی خاص همان کشور بوده و از سویی با اذعان به این که توسعه و پیشرفت متکی به عملکرد و بهره وری تک تک سازمان هاست، لذا می توان از مولفه "مدیریت" سازمان ها به عنوان پایه اصلی پیشرفت بر اساس الگوی توسعه یاد کرد. امروزه رهبری سازمانی به عنوان رکن اساسی مدیریت، یکی از تاثیرگذارترین متغیرهای دستیابی به اثربخشی سازمانی محسوب می شود؛ متغیری که با تاثیرگذاری و نفوذ بر عامل نرم سازمانی (احساسات، عواطف و انگیزه های منابع انسانی)، اسباب تسهیل و تسریع تحقق اهداف سازمانی را میسر و زمینه ساز دستیابی چشم انداز و اهداف راهبردی سازمان ها و کشور می گردد. رهبری سازمانی اسلامی نیز در این مسیر مهم، با دارا بودن شاخص ها و معیارهای مطلوب، ایده آل و ارزشی، ترسیم کننده نقطه آرمانی در سازمان بوده و با ارائه الگوهای مناسب و اثرگذار به مثابه عامل موثری در تشویق و تحریک سایر مولفه های سازمانی در جهت پیشبرد و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایفای نقش می نماید.

بنابراین، اگر بتوان رهبری را به عنوان اثری که یک فرد بر گروهی از افراد برای دستیابی به هدف مشترک عمومی می گذارد، تعریف کرد (افجه ای، ۱۳: ۱۳۹۰)، آن گاه رهبری در سازمان می تواند یکی از اساسی ترین محورهایی باشد که می بایست در همه ابعاد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به عنوان یک اصل زیربنایی و مادر مورد توجه واقع شود. با توجه به اهمیت موضوع، در ذیل به ضرورت های طرح این مسئله پرداخته می شود.

۱-۷- بحران در رهبری عملی غرب

نا توانی کامل رهبران دولت‌ها، نظام‌ها و احزاب در حل و فصل مسائل و برخورد جدی با مشکلات و مسائل ضروری مردم تحت حکومتشان، واقعیاتی است که این اواخر به نحوی دردناک در سطح جهانی آشکار شده است (مجله تایم آمریکا، ۱۳۷۲) و واقعیت تلخ عبارت از این است که در فضای سیاست بین‌الملل امروز، هیچ سیاستمدار برجسته، بازیگر عمده و یا متفکر سرشناسی یافت نمی‌شود که قادر به ارائه طرح‌های نو به ملت‌های جهان باشد (روزنامه ساندی تلگراف، ۱۳۷۱) و آن چه در هنگامه چنین خلأیی از رهبری اصیل در سطح جهان با ترس و نگرانی باید منتظر آن بود، همانا پیدایش گرایش‌های ملی‌گرای افراطی، ظهور روحیه عدم تسامح و تساهل در روابط بین‌الملل، ظهور رهبران عوام‌فریب و بروز تمایلات خصمانه در میان اقوام و ملت‌هاست (مجله تایم، ۱۳۷۲).

۲-۷- سردرگمی تئوریک

مقوله رهبری از جمله موضوعاتی است که نظر و توجه اغلب اندشمندان را در بسیاری از رشته‌ها از قبیل اقتصاد، تاریخ، تعلیم و تربیت، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاست، فلسفه، مردم‌شناسی، مدیریت و سایر رشته‌های میان‌رشته‌ای، به خود جلب کرده است و احتمالاً در این باب بیش از هر موضوع مستقل دیگری تحقیقات علمی به عمل آمده است (عابدی جعفری، ۱۳۸۸: ۲۳۴). اما بر خلاف تصور عامه به نظر می‌رسد مشکلات موجود در عرصه نظری رهبری به دلیل کمبود نظریه پردازی نبوده، بلکه این کثرت تئوری‌های رهبری است که گاهی با ارائه نظریه‌های متناقض و گمراه‌کننده، مشکلات فراروی سازمانی را دوچندان می‌نماید.

۳-۷- اختلاف در مبانی و مفروضات نظریه پردازی

با توجه به این مهم که نظریه‌پردازان، در هر حوزه‌ای و از جمله در باب مدیریت و رهبری سازمانی، تئوری مورد نظر خود را در بستر نظام تعلقات، نظام ادراکات و نظام منطقی خود ارائه می‌نمایند و از آن جا که این مبانی و مفروضات در هر نظامی بر گرفته از جهان بینی و ایدئولوژی آن نظام بوده، و نیز باعنایت به متفاوت بودن جهان بینی کشورها، می‌توان بیان داشت که نظریه پرداز، قطعاً دارای بینش خاصی نسبت به نظام هستی و انسان و جامعه بوده و بنابراین نظریه‌های ارائه شده از سوی وی نیز تابعی از همان مبانی خواهد بود. بر همین اساس می‌توان اذعان نمود که نظریه‌های ارائه شده بر اساس مبانی و پیش‌فرض‌های یک نظام غربی (سرمایه‌داری یا کمونیستی) قطعاً با همین مبانی در یک نظام اسلامی متفاوت بوده (هم‌چنان که در بخش ذی‌ربط ملاحظه گردید) و همین تفاوت نیز ایجاب می‌نماید که مطالعات مربوط به مبحث رهبری سازمانی و نیز الگو سازی در این باب با توجه خاص نسبت به همین اختلافات در مبانی صورت پذیرد.

۴-۷- ضرورت و اهمیت رهبری در اسلام

رهبری به دلیل نقشی که در اثربخشی فردی و گروهی ایفا می‌کند موضوعی حائز اهمیت بوده و این موضوع، انسان‌ها را طی اعصار گوناگون مفتون خود کرده است (رضائیان، ۱۳۸۳). از آیات قرآن کریم، روایات، اقوال و احادیث واصله از پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) نیز اینگونه بر می‌آید که مسئله رهبری و مدیریت در جامعه اسلامی، از همان اوان نزول آیات، جزء مباحث اصلی و اساسی بوده و نظر به ارتباط مستقیم و تنگاتنگ

این مهم با فرهنگ، ضرورت دارد تا به موضوع رهبری سازمانی با رویکرد اسلامی- ایرانی، نگاهی نوین افکنده شود. ضرورت این بحث در قرآن در قالب داستان های مختلفی از انبیاء و یا مردان برجسته تاریخ ذکر گردیده است. جدول شماره ۵، اهم این آیات و روایات را در باب اهمیت و ضرورت موضوع رهبری نشان می دهد.

جدول ۵- ضرورت رهبری در اسلام

مشخصه	ابعاد (داده‌ها)
ضرورت رهبری در اسلام	<p>و آنگاه که خداوند ابراهیم را به انواع فرمان ها آزمایش کرد و با سرافرازی از آزمایش بیرون آمد، از جانب خداوند به او گفته شد من تو را به امامت و مدیریت مردم برگزیدم. ابراهیم گفت، آیا این پیشوایی به فرزندان من هم خواهد رسید، فرمود: اگر دارای صلاحیت باشند، وگرنه امامت و مدیریت من به ستمگران نمی رسد (بقره، ۱۲۴).</p> <p>و هنگامی که پروردگار تو به ملائکه گفت هر آینه در زمین خلیفه ای قرار خواهم داد (بقره، ۳۰).</p> <p>برای هر ملتی، راهنمایی و رهبری ضروری است (رعد، ۷).</p> <p>موسی به برادرش هارون گفت: تو در میان قوم من جانشینم باش (اعراف، ۱۴۲).</p> <p>پس سوگند به تدبیر کنندگان کارها (نازعات، ۵).</p> <p>ای پیامبر، آن چه از جانب خدای تو در مورد معرفی علی (ع)، بر تو نازل گردیده ابلاغ کن و اگر کار معرفی مدیریت امت اسلامی صورت نگیرد، رسالت خدا را انجام نده ای، دلپره نداشته باش که خداوند تو را از شر مردم بدخواه حفظ می کند (مائده، ۶۷).</p> <p>علی (ع): مردم به زمامدار نیازمندند. خواه نیکوکار باشد، خواه بدکار، تا مومنان در سایه حکومتش به کار خویش مشغول و کافران بهره مند شوند (نهج البلاغه، خطبه ۴۰).</p> <p>علی (ع): والی ستمگر ظالم بهتر از هرج و مرج همیشگی است (غیرالحکم، ج ۲، ص ۳۰۵).</p> <p>حضرت محمد(ص): هرگاه سه نفر در سفر باشند، باید یکی از آنان را به عنوان رهبر برگزینند (کنز العمال، ص ۴).</p> <p>پیامبر اسلام(ص): مسلمانان باید در سفر، هنگام نماز و برای فعالیت های گروهی یک، رهبر برگزینند. در خانه، شوهر رهبر خانواده هست و در غیاب شوهر، زن نقش رهبر خانه را به عهده می گیرد.</p> <p>امام علی (ع): رهبر و سرپرست امور جامعه مانند رشته مهره است که آن را گرد آورده و به هم پیوند می دهد؛ پس اگر رشته بگسلد مهره ها از هم جدا شده و پراکنده گردد و هرگز همه آنها گرد نیاید.</p>

۷-۵- ضرورت توجه به عنصر فرهنگ

استفاده از الگوهای توسعه غربی در کشور به منزله عدم توجه به عناصر فرهنگی کشور است؛ در حالی که منظور از واژه ایرانی بودن الگو، لحاظ نمودن مقتضیات و شرایط فرهنگی کشور در مرحله اجراست. بدیهی است استفاده از هر نوع ابزاری یا مدل هایی برای توسعه بدون توجه به شرایط موجود کشور از قبل شکست خورده خواهد بود. بر این اساس نظریه های رهبری در سازمان هم از این قاعده مستثنی نمی باشد. اسلام به عنوان وجه غالب و تاثیر گذار فرهنگ ایران زمین از جمله عناصری است که می بایست در طراحی ابعاد مختلف الگوی اسلامی- ایرانی به آن توجه لازم مبذول گردد. بنابراین، در طراحی مدل رهبری سازمانی با رویکرد اسلامی- ایرانی نیز، ضرورت دارد به مقتضیات و شرایط فرهنگی و موقعیتی کشور توجه لازم مبذول گردد.

۷-۶- وجود الگوهای مطلوب اسلامی

با تحقیق و تفحص در قرآن کریم می توان به اوج رهبری اسلامی پی برد. با نگاهی به قصص و زندگی پیامبرانی چون حضرت موسی(ع)، حضرت نوح(ع) و یا حضرت ابراهیم(ع) و به ویژه با تتبع در زندگی و سیره سیاسی، اجتماعی، حکومتی و مدیریتی و خانوادگی ختم نبوت، حضرت محمد(ص) و ائمه معصومین، به ویژه سیره حضرت علی (ص) از طریق تحقیق و تفحص در منابع غنی اسلامی نظیر قرآن کریم، تفاسیر قرآنی، نهج الفصاحه، نهج البلاغه و احادیث و روایات، می توان به اسوه های رهبری در سطح کلان و خرد دست یافت و از این طریق به استخراج ابعاد و شاخص های مدیریتی و رهبری این الگوها پرداخت. چه آن که، هرگونه تلاش

برای بهره برداری از این منابع غنی اسلامی، به تعبیر شهید مطهری، حاکی از درجه ای از رشد اسلامی است (عابدی جعفری، ۱۳۸۸).

۷-۷- لزوم احصاء مولفه های اسلامی الگوی پیشرفت از منظرهای مختلف

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، الگوی تک بعدی نبوده بلکه نقشه ای است جامع برای همه حوزه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور و لذا با توجه به اصول پیش گفته، می بایست ابعاد و شاخص های اسلامی به منظور طراحی وضعیت مطلوب و آرمانی در همه این حوزه ها شناسایی و استخراج گردد تا بدین وسیله بتوان مبانی لازم نظریه پردازی و هم چنین ترسیم نقاط آرمانی در ابعاد مختلف الگو را فراهم نمود (بانسی، ۱۳۹۱). در حوزه رهبری سازمانی نیز به عنوان زیربنایی ترین رکن الگو، لازم است این ابعاد احصاء و معرفی گردد. در شناسایی این شاخص ها، توجه به اصول ذیل می تواند راهنمای مطلوبی محسوب شود:

- ۱- اهمیت جایگاه معنویات به عنوان روح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با توجه به شکست غرب در این زمینه علیرغم دستیابی به پیشرفت های علمی و فن آورانه (سوزنچی کاشانی، ۱۳۹۱).
- ۲- لزوم توجه به دین در طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (شجاعی زند، ۱۳۹۱).
- ۳- لزوم توجه به ضرورت های عام (که در همه کشورها مورد توجه است) و ضرورت های خاص (که مختص شرایط خاص جمهوری اسلامی ایران می باشد) الگوپردازی و نیز توجه به آثار و فواید جانبی تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت برای مقابله با چالش ها و موانع (بنیانیان، ۱۳۹۱).
- ۴- توجه به ملاحظاتی چون طراحی الگو به وسیله متخصصان ایرانی و برون آمدن الگو از بطن نیازهای بومی کشور (موسوی و قربی، ۱۳۹۱).

نتیجه گیری و بحث

طراحی، تولید و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قطعاً یک گام جهشی در مسیر تعالی ایران اسلامی بوده و طراحی الگویی متفاوت با الگوهای رایج پیشرفت توسعه بر اساس مبانی و ارزش های اسلامی و متناسب با شرایط، امکانات و نیازهای بومی که با ابتکار و تفکر ایرانی رقم زده شود، می تواند زیربنایی ترین و بزرگترین ایده ای باشد که مطرح گردیده است (بانسی، ۱۳۹۰). اما باید متوجه این نکته هم بود که طراحی هر الگویی و از جمله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مستلزم نظریه پردازی در حوزه های مختلف سیسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده و بدون وجود تئوری به مفهوم دانش و علمی که بتواند روابط میان پدیده ها را تعیین و به پیش بینی و کنترل نیز کمک کند، راهی به سر منزل مقصود طی نخواهد شد. بنابراین، پذیرش فرض مسلّم تدوین نظریه، امری است قطعی و غیر قابل انکار، لیکن نکته مهم تر از طراحی نظریه، عبارت از این است که این نظریه ها می بایست توسط متخصصین و طراحان ایرانی و با تمسک به مبانی و تعلقات و باورهای نظام جمهوری اسلامی ایران (توجه به دو قید اسلامی و ایرانی الگو) صورت پذیرد.

در این مقاله، ضمن ارائه مختصری از مبانی نظریه پردازی، به این مهم توجه گردید و بر همین اساس نیز، مبانی فکری دو دیدگاه اسلام و غرب که مبنا و اساس نظریه پردازی واقع می شوند مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. در این راستا، مشخص شد از آن جا که انسان در اسلام عبد بوده، لذا کمال و سعادت وی نیز در

طی طریق عبودیت و کسب رضایت الهی است. با این توصیف، نظریه پردازی در اسلام و با رویکرد اسلامی ایرانی، بسیار فراتر از نظریه پردازی در غرب می باشد. در ادامه، از مدیریت و رهبری سازمان ها، به عنوان رکن اساسی الگوی پیشرفت یاد و بر همین مبنا ضرورت های توجه به این مهم و نظریه پردازی در این زمینه نیز به عنوان یک امر محوری مورد توجه واقع شد. بحران های عملی موجود سر در گمی تئوریک در حوزه رهبری، تفاوت در مبانی نظریه پردازی، ضرورت و اهمیت رهبری در اسلام، وجود الگوها و سمبل های ناب رهبری و ضرورت توجه به فرهنگ، از جمله عواملی بودند که ضرورت طرح نظریه پردازی در حوزه رهبری را گوشزد می کنند.

منابع

- اعرابی، سیدمحمد (۱۳۸۷)، مجموعه مقالات مدیریت: مبانی روش شناسی و تئوری های مدیریت، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ اول.
- اعرابی، سید محمد (۱۳۸۸)، جزوه درسی تئوری های مدیریت، مقطع دکتری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران. افجه ای، سیدعلی اکبر (۱۳۸۸)، مدیریت اسلامی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی علامه طباطبائی، چاپ هشتم ..
- افجه ای، سید علی اکبر (۱۳۹۰)، رهبری سازمانی، تهران، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، چاپ اول. بابایی طلاتپه، محمدباقر (۱۳۹۰)، مهندسی مدیریت در فرهنگ علوی، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین، چاپ دوم.
- بانسی، عباداله (۱۳۹۱)، فلسفه حرکت و تاملی بر روش شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نخستین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: نقشه راه طراحی و تدوین الگو، ۱۰-۱۱ خرداد، تهران، کتابخانه ملی.
- بانسی، عباداله (۱۳۹۰)، نگاهی به جایگاه و نقش رهبری سازمانی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، سال چهاردهم، شماره ۵.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۳) ده مقاله پیرامون مبدأومعاد، تهران، انتشارات الزهرا.
- جوادی آملی (۱۳۶۶) مبدا ومعاد، تهران، انتشارات الزهرا.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۰)، در جست و جوی علوم انسانی بومی، تهران، کیهان فرهنگی شماره ۳۰۰.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۹) نظریه پردازی: مبانی و روش شناسی ها، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۵) پارادایم های رقیب در علم سازمان و مدیریت، دانشور، سال چهاردهم، شماره ۲۶.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۱) کند و کاروها و پنداشته ها، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- روزنامه انگلیسی ساندی تلگراف، به نقل از روزنامه سلام، هفتم مهرماه ۱۳۷۱.
- سروش، عبدالکریم، (۱۳۸۲) علم چیست، فلسفه چیست؟، تهران، موسسه فرهنگی صراط.
- سوزنچی کاشانی، ابراهیم (۱۳۹۱) پارادایم شناسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نخستین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: نقشه راه طراحی و تدوین الگو، ۱۰-۱۱ خرداد، کتابخانه ملی، تهران.
- شجاعی زند، عیضا (۱۳۹۱) بازخوانی نقش دین در توسعه، نخستین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: نقشه راه طراحی و تدوین الگو، ۱۰-۱۱ خرداد، کتابخانه ملی، تهران.
- شفریتز، جی. ام. و استیون آت (۱۳۷۹)، نظریه های کلاسیک سازمان، اسطوره ها، ترجمه علی پارسایان، تهران، انتشارات کتاب فرزانه.
- عابدی جعفری، حسن (۱۳۷۴) بررسی رویکردهای رهبری یادیدگاه مکتب هایانسان شناسی، فصلنامه مصباح، سال چهارم، شماره ۱۴.

- عرب، مهدی (۱۳۹۰) عدالت و پیشرفت در اندیشه اسلامی؛ خردنامه عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ انتشارات همشهری، تهران، صص ۱۹۰-۱۹۵.
- مجله آمریکایی تایم، به نقل از روزنامه کیهان، سه شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۷۲.
- مزیدی، محمدو شیخ الاسلامی، راضیه (۱۳۸۸)، مبانی وجودشناختی و انسان‌شناختی روش‌های تربیتی انسان از دیدگاه قرآن و سیره پیامبر اعظم (ص) (۱۳۸۸)، تهران، انتشارات اسلام و پژوهش‌های اسلامی، شماره ۱، بهار و تابستان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷) مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، تهران. انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۰) عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا.
- مؤمنی، نونا؛ خائف‌الهی، احمدعلی؛ اکبری‌ان، رضا؛ دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۰)، نقدی بر رویکرد رهبریدر غرب بر اساس مبانی فکری علامه طباطبایی. اندیشه‌مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم.
- میرزلی اهرنجانی، حسن (۱۳۸۶)، زمینه‌های روش‌شناختی تئوری سازمان، تهران انتشارات سمت، چاپ دوم.
- نهج البلاغه، (۱۳۸۸) ترجمه محمد دشتی، تهران، انتشارات نشتا، چاپ دوم.
- هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۹۰) کارآمدی و عدالت در نظام اسلامی؛ خردنامه عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ انتشارات همشهری، تهران، صص ۹-۱۷.
- هج، ماری جو (۱۳۸۶)، نظریه سازمان: مدرن، نمادین- تفسیری و پست مدرن، ترجمه دکتر حسن دانایی فرد، تهران نشر افکار.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۷۴)، شناخت روش علمی در علوم رفتاری، تهران نشر پارسا.